

# دولت ها و توده های [باشنده] دشت های اروآسیا:

## «از عهد باستان تا کنون»<sup>۱</sup>

نویسندگان:

پروفسور داکتر سرگی کلیاشتورنی  
و پروفسور داکتر تورسون سلطائف  
گزارنده به پارسی دری: عزیز آریانفر  
ناشر: تارنمای خراسان زمین

[www.khorasanzameen.net](http://www.khorasanzameen.net)

۱۶ عقرب (آبان) ۱۳۹۴

### یادداشت گزارنده:

بی چون و چرا، یکی از بهترین و وزین ترین کتاب های علمی یی که در باره تاریخ توده های کوچ نشین و دشتنورد از جمله اریایی ها و توده های تورکی زبان و مغول دشت های اروآسیا نوشته شده است، «دولت ها و توده های باشنده دشت های اروآسیا: از عهد باستان تا کنون»، شهکار بی نظیر پروفسور داکتر سرگی کلیاشتورنی - بزرگترین تورک شناس و مغول شناس جهان در همه اعصار و همکارش پروفسور داکتر تورسون سلطائف - دانشمند برجسته و شناخته شده تورک شناس و مغول شناس در تراز جهانی است.

---

<sup>۱</sup>.Кляшторный С.Г., Султанов Т.И. Государства и народы Евразийских степей: от древности к Новому времени. СПб.: «Петербургское Востоковедение», 2009: 3-е изд.. исправл. и доп. 432 с. («Orientalia»).

Russian Academy of Sciences  
Institute of Oriental Manuscripts  
S. I. Klyshorny, T. I. Sultanov  
STATES AND PEOPLES OF THE EURASIAN STEPPE  
FROM ANTIQUITY TO MODERN AGE  
St.Petersburs, 2009

ویژگی این کتاب که «حرف آخر علم تاریخ» در زمینه سرگذشت توده های تورکی زبان آسیای مرکزی شمرده می شود، در آن است که بی آلیشانه، فارغ از ملاحظات سیاسی گمراه کننده با بهره گیری از پشته یی از دستاوردهای دو سده یی علوم خاورشناسی روسیه و جهان به گونه بسیار واقعبینانه و روشمند نگاشته شده است.

نویسندگان با تکیه بر اسناد، مدارک و شواهد انکار ناپذیر علمی با کنار گذاشتن ادعاهای بی بنیاد و بی پایه پان ترکیستی موجودیت گویا کدامین نژاد یا تبار و یا ملت تورک و زبان واحد تورکی و نیز ادعاهای گزافه گویانه «اوتوختونیستی» اولتراناسیونالیستی رهبران سیاسی کشورهای تورکی زبان آسیای میانه و قفقاز دال بر بومی بودن شان در سرزمین های کنونی که نادرست آن را سرزمین های نیایی شان می خوانند؛ و پرهیز از هر گونه افسانه پردازی کوشیده اند به ژرفای هزاره ها و سده بروند و گوشه های تاریک تاریخ گستره پهناور دشت های اروآسیا را در پرتو داده های علمی روشن بسازند. چنانچه در پیشگفتار کتاب آمده است:

«ما با پذیرفتن تر همانندی نسبی سرنوشت های تاریخی بیشترین قبيله ها و توده های تورکی در درازای دست کم دو هزاره و مرتبط بودن تاریخ تباری شان در چهارچوب تاریخ عمومی اورآسیا، هم تر موجودیت ملت واحد تورکی [یعنی آن چه که پان ترکیسم تبلیغ می کند-گک.] و هم تر بومی بودن جاودانه توده های معاصر تورکی [یعنی آن اوتوختونیسمی را که رهبران کشورهای تورکی زبان آسیای میانه و قفقاز بر آن پا می فشارند-گک.] را مردود می دانیم.»

«...ما برای روشن شدن مسائل به واقعیت های اتنوژنیز ethnogenesis (تشکل تباری) تورکی، به مراحل قدیم تاریخ تباری- سیاسی توده های تورکی شناسایی شده طی بیش از یک سده کار محققان (به ویژه در روسیه)- اعم از باستان شناسان، زبانشناسان، تاریخ نویسان، تبارنگاران (اتنوگراف ها) و... مراجعه می کنیم.»

در دو سده گذشته، دانشمندان خاورشناس روسیه تزاری و سپس شوروی و در فرجام هم روسیه کار بس بزرگی را در عرصه مطالعات توده های اریایی و تورکی زبان و مغول در

گستره مغولستان، جنوب سایبریا و کشورهای آسیای میانه، قفقاز و شمال چین انجام داده اند. در این راستا صدها سایت باستان شناسی با شمار فراوان اسکلت های مردگان و اشیا و زیورات کشف و پشته عظیمی از مدارک و شواهد و اسناد در بایگانی های اکادمیک روسیه و شوروی پیشین روی هم انباشته، بررسی، ارزیابی، تجزیه و تحلیل و مورد پژوهش قرار گرفته اند. صدها تن از دانشمندان روسی و شوروی در باره این توده ها کاوش ها و پژوهش هایی ژرفی انجام داده و هزاران مقاله و صدها کتاب نوشته اند.

در دهه های پسین، شمار بسیاری از دانشمندان رشته های نوین علوم مانند علم نسب شناسی (ژنتیک)، اتنوگرافی و اتنولوژی (تبارشناسی)، انتروپومورفی (انسان سیمانگاری)، پالیونتولوژی (دیرین شناسی)، نومازماتیک (سکه شناسی)، نسخه شناسی، زبانشناسی تاریخی (لنگوستیک)، ریشه شناسی (ایتمولوژی) و... نیز کارهای بس ارزشمندی را در باره این توده ها انجام داده اند.

روی هم رفته بزرگترین کانون تورک شناسی و مغول شناسی جهان همانا پژوهشکده خاورشناسی پژوهشگاه علوم روسیه شعبه سان پتربورگ شمرده می شود که وزین ترین مقالات و کتاب ها را در زمینه تاریخ باستانی، میانه و نوین توده های تورکی زبان و مغولی نوشته اند.

گذشته از این ها، در سال های اخیر دانشمندان چینی نیز با مطالعات ژرف تاریخی توانسته اند تاریخ 24 جلدی چین باستان را به یاری دانشمندان جاپانی تدوین و مبتنی بر ترجمه های نوین به زیور چاپ آراسته سازند. همین گونه فرهنگ تازه ایماها یا هیروگلیف های چین باستان را تدوین و چاپ نمایند.

همین گونه اطلاعات دقیق و اکادمیک علمی در باره توده های تورکی زبان و مغول در شماری از انسکلوپیدی ها (دایره المعارف ها یا دانشنامه ها) به ویژه دانشنامه امریکانا، بریتانیکا، لاروس فرانسه و دایره المعارف سترگ شوروی (کنون روسیه) بازتاب یافته است.

روشن است کسانی که در جستجوی حقایق علمی و داده های مستند و دقیق هستند، باید به کند و کاو در همین آثار پردازند. با این هم، در سال های اخیر شمار فراوان آثار بیمایه و بی پایه بی سر و ته بنا به ملاحظات سیاسی و نیز از سوی اشخاص غیر کارشناس و ناآگاه نشر و در میان خوانندگان بی خبر و چشم و گوش بسته تبلیغ می شود، که سخت زیانبار اند و می توانند بسیاری به به کژراهه و بیراهه بکشانند.

به هر رو، این کمترین که در سه دهه گذشته دست اندر کار پژوهش و مطالعه در تاریخ آسیای میانه، آسیای مرکزی و افغانستان و ایران بوده ام، با آشنا شدن با این کتاب وزین در پی آن شدم تا آن را به پارسی دری برگردان نمایم. کتاب بار نخست به سال 2004 در سانکت پتر بورگ چاپ شده بود که بی درنگ به سال 2006 به زبان آلمان ترجمه و نشر گردید.<sup>۲</sup>

سال پار، هنوز تنها پیشگفتار کتاب را (از چاپ 2004 آن) به پایان نبرده بودم که آگاهی یافتم در سال 2009 چاپ سوم آن در 432 برگ (با ویرایش دوباره و بازنگری و اضافات) بار دیگر از سوی پژوهشکده خاورشناسی سانکت پتربورگ، انتشار یافته است. این بود که کار را متوقف ساختم و با دشواری بسیار در سفر سال پار مسکو نسخه نو آن را پیدا کردم. اما چندی پیش آن را برای خواندن به یک پژوهشگر آلمانی امانت دادم که بنا به دلایلی دردمندانه دو باره برایم مسترد نکرد. به هر رو، اکنون باید بار دیگر در جستجوی کتاب برآیم. با این هم، در این جا بر آن شدم تا ترجمه پیشگفتار کتاب را در دسترس دوستان بگذارم. اما پیش از آن، مروری بر زندگینامه این دو دانشمند ارجمند می کنیم:

### **زندگینامه پروفسور داکتر کلیاشتورنی، سرگی گریگوریویچ**

زاد روز و زادگاه: 4 فبروری 1928 در بلاروسیه

درگذشت در: 21 سپتامبر 2014 به عمر 86 سالگی در سانکت پتربورگ

---

<sup>2</sup> . Kljaštornyj S.G., Sultanov T.I. Staaten und Völker in den Steppen Eurasiens. Altertum und Mittelalter (Studia Eurasia. Band XI). Hrsb. von Reinhold Schletzer. Reinhold Schletzer Verlag, 2006.

شادروان استاد کلیاشتورنی-مدیر دفتر تورک شناسی (تورکولوژی) و مغول شناسی شعبه سانکت پتربورگ پژوهشکده خاورشناسی پژوهشگاه علوم روسیه، دارنده جایزه نشان طلایی در پژوهش های آلتایی در 2005 بود.<sup>3</sup>

او در سال های 1945-1950 در دانشکده خاورشناسی دانشگاه دولتی سانکت پتربورگ در دیپارتمنت زبانشناسی تورکی، تاریخ خاور نزدیک و خاور میانه درس خواند.

به سال های 1950 - 1957 کارمند پژوهشکده سراسری گیتاشناسی (جغرافی) شوروی بود که در آن نخست به عنوان کتابدار (تا سال 1953) و سپس در کرسی مدیر بخش بیلیوگرافی (کتابنگاری) کار کرد.

به سال 1957 به عنوان کارمند جوان علمی دفتر تورک شناسی و مغول شناسی شعبه لیننگراد پژوهشکده خاورشناسی پژوهشگاه علوم شوروی گماشته شد. به سال های 1960-1962-مدیر کتابخانه این پژوهشکده بود.

او به سال 1962 از رساله نامزدی علوم با موضوع «یادمان های رمزآلود باستانی تورکی چونان منبعی در تاریخ آسیای میانه» زیر نظر پروفیسور برنشتام و پروفیسور مالف دفاع کرد.

سر از 1963 - به عنوان مدیر دفتر تورک شناسی و مغول شناسی شعبه لیننگراد پژوهشکده خاورشناسی پژوهشگاه علوم شوروی گماشته شد. سر از 1963 - کارمند ارشد علمی شعبه گردید.

---

<sup>3</sup> . Gold Medal of the Permanent International Altaistic Conference

سر از سال 1969 به عنوان استادیار کرسی زبانشناسی تورکی در دانشگاه دولتی لینن‌گراد تدریس می‌کرد و سر از 1995 استاد دیپارتمنت آسیای مرکزی و قفقاز دانشگاه دولتی سانکت پتربورگ گردید. او به سال 1992 به درجه استادی (پروفسوری) رسید.

پروفسور کلیاشتورنی در سال‌های پسین زندگی تا سال 2013 مدیر دفتر آسیای مرکزی و جنوبی پژوهشکده خاورشناسی پژوهشگاه علوم روسیه بود.<sup>۴</sup>

---

4. آثار:

Кляшторный С. Г. Древнетюркские рунические памятники как источник по истории Средней Азии / С. Г. Кляшторный. — М., 1964.

Кляшторный С. Г., Колесников А. А. Восточный Туркестан глазами русских путешественников (вторая половина XIX в.) / С. Г. Кляшторный, А. А. Колесников. — Алма-Ата: Издательство «Наука» Казахской ССР, 1988.

Кляшторный С. Г., Колесников А. А., Басханов М. К. Восточный Туркестан глазами европейских путешественников / С. Г. Кляшторный, А. А. Колесников, М. К. Басханов; Институт уйгуроведения АН КазССР. — Алма-Ата: Гылым, 1991. — 184, [16] с.

Кляшторный С. Г., Султанов Т. И. Казахстан: Летопись трёх тысячелетий / С. Г. Кляшторный, Т. И. Султанов. — Алма-Ата: Рауан, 1992. — 376 с.

Кляшторный С. Г. История Центральной Азии и памятники рунического письма / С. Г. Кляшторный; Филологический факультет СПбГУ. — СПб., 2003. — 560 с. — (Азиатика).

Кляшторный С. Г., Савинов Д. Г. Степные империи древней Евразии / С. Г. Кляшторный, Д. Г. Савинов; Филологический факультет СПбГУ. — СПб., 2005. — 352 с. — (Исторические исследования).

Кляшторный С. Г. Памятники древнетюркской письменности и этнокультурная история Центральной Азии / С. Г. Кляшторный; Институт востоковедения РАН, Санкт-Петербург. филиал. — М.: Наука, 2006. — 592 с. — (Восток: Общество, культура, религия).

Кляшторный С. Г. Рунические памятники Уйгурского каганата и история евразийских степей / С. Г. Кляшторный. — СПб.: Петербургское Востоковедение, 2010. — 352 с.

## زندگینامه پروفیسور داکتر تورسون سلطائف

سلطائف به تاریخ 7 ماه مه 1940 در آلماتی قزاقستان پا به گیتی گذاشت. او به سال 1962 به عنوان دانشجو در دیپارتمنت تاریخ کشورهای خاور میانه و نزدیک دانشکده خاورشناسی دانشگاه دولتی سانکت پتربورگ درس خواند و به آموزش زبان های تورکی استانبولی، پارسی، چغتایی و انگلیسی پرداخت.

سلطائف در محضر استادان نامداری چون پروفیسور پتروشفسکی (مولف پر آوازه کتاب «اسلام در ایران»)، پروفیسور نویچیف، پروفیسور ژیلیاتکف، پروفیسور تربوزووا، پروفیسور ایوانف (مولف نامدار کتاب «تاریخ ایران»)، پروفیسور کوندراتیف و پروفیسور طاهرجانف درس خواند.

وی پس از پایان بردن دانشکده خاورشناسی دانشگاه دولتی سانکت پتر بورگ به سال 1967 بنا به سفارش دیپارتمنت تاریخ کشورهای خاورمیانه و خاور نزدیک به عنوان آسپرانتور شامل شعبه سانکت پتربورگ پژوهشکده خاورشناسی پژوهشگاه علوم روسیه گردید.

او به سال های 1967-1970 زیر نظر پروفیسور رومودین فقید-بزرگترین کارشناس مسایل افغانستان و آسیای میانه به مطالعه تاریخ سده های میانه قزاقستان و مناطق همجوار آن در آسیای مرکزی پرداخت.

سلطائف به سال 1971 از رساله دکتری در موضوع «مسایل اساسی تاریخ خلق قزاق در سده های شانزدهم و هفدهم از روی منابع پارسی و تورکی» دفاع کرد.

او به سال های 1971-1974 کارمند پژوهشکده تاریخ، باستانشناسی و تبارنگاری پژوهشگاه علوم قزاقستان در آلماتی بود. همچنین از سال 1974 تا سال 1977 به عنوان کارمند کهتر (جوان) علمی و سپس کارمند مهتر (ارشد) علمی شعبه سانکت پتربورگ پژوهشکده خاورشناسی پژوهشگاه علوم روسیه کار کرد.

... و سر انجام سر از 1995 تا کنون مدیر دیپارتمنت آسیای میانه و قفقاز دانشگاه سانکت پتربورگ است.

پویایی های علمی پروفیسور سلطانف با یکی از مهم ترین جهات اکادمیک مطالعات شرقی دانشگاهی که در بر گیرنده منبع شناسی شرقی، تاریخ آسیای مرکزی، چاپ و تفسیر منابع تورکی و پارسی قرون وسطی در باره تاریخ و فرهنگ آسیای مرکزی می باشد؛ پیوند دارد. از سلطانف آثار بسیاری به زبان های روسی، قزاقی و انگلیسی به چاپ رسیده است. از جمله سری یی از نوشته های نسخه شناسی و منبع شناسی، آثار اختصاص داده شده به تاریخنگاری قرون وسطی آسیای مرکزی.

نوآوری های علمی وی، رویکرد بی ماندش به مطالعه تاریخنگاری اسلامی در قرون وسطی و تدوین روش های مناسب مطالعه آن؛ سزوار هر گونه ستایش است. ادامه طبیعی پژوهش های سلطانف سخنرانی های دانشگاهی او اند:

«دولت های مغولی و تورکی آسیای مرکزی و ایران در سده های سیزدهم و نوزدهم بر اساس تاریخنگاری پارسی و تورکی»

«دیدگاه های حقوقی و سنت های ارث بری تاج و تخت در دولت های قرون وسطایی آسیای مرکزی»

«فرهنگ کتاب نویسی در ترکستان قرون وسطی: «آفرینندگان و آثار شان»، «قلم به دستان» - نخبگان اتلکتوتل خاور مسلمان در قرون وسطی»

... و نیز سخنرانی های عمومی در زمینه تاریخ سده های میانه، اتنوگرافی و گیتهشناسی کشورهای تورکی زبان آسیای مرکزی.



## شناسنامه کتاب:

کتاب دست داشته به مساله منشاء و تاریخ باستانی و سده های میانه یی توده های کوچرو استپ سترگ می پردازد که در یک گستره پهناور قاره اروآسیا از حوضه رود آمو در خاور تا حوضه رود دانیوب در باختر زندگی می کردند.

توجه اصلی مولفان به پدید آیی و تاریخ نخستین امپراتوری های کوچیان که پیرامون هسته های آن ها در آغاز اتحادیه های قبیله یی و سپس توده هایی که بیشتر به زبان های تورکی سخن می گفتند، تشکل یافتند- خاقانات تورک (سده های ششم- نهم)، دولت قره خانیان و اویغورها در آسیای مرکزی، دولت بلغارها در دامنه های اورال، خلق ها و قبایل تورکی در ترکیب امپراتوری مغول، اردوی طلایی، جزهای قزاقی، خانات قزاق و... معطوف شده است.

تاریخ دراز دولرداری کوچیان اروآسیا در پیوند تنگاتنگ با تاریخ همسایگان شان- چین، ایران، بیزانس (بیزانتین یا روم خاوری) و روسیه بررسی می گردد.

دولت های تورکی اشکال ویژه باورهای مذهبی و فرهنگ مکتوب را زایدند که سیمای تکرار ناپذیر تمدن تورکی باستان را می ساخت که در مونیوگرافی دست داشته به آن توجه بسیاری شده است.

برای نخستین بار در این چنین بستر گسترده هیستوریوگرافیک (تاریخننگاری) دشوارترین مساله پیوندهای ژنیتیک توده های باستانی تورکی با ملت های معاصر تورکی زبان بررسی می گردد.

موضوع مورد بررسی در مونوگرافی دست داشته، از دید کروئولوژیک (تقویمی)، تاریخی را در حدود تقریبی دو هزار سال از عهد باستان تا اوایل سده هژدهم یعنی تا شامل شدن زمین های حوضه رود ولگا و سایبریا در تشکیل دولت روسی مسکو در بر می گیرد. [سر از این برهه-گک]، تاریخ توده های تورکی اروآسیای استپی با اوضاع جیوپولیتیک از ریشه دیگری گره می خورد و روند تعاون (همپیوندی) آن ها با روسیه آغاز می گردد که سرنوشت شان را به پیمانان بسیار به گونه بنیادی رقم می زند.

## SUMMARY

### **States and peoples of Eurasian steppes: From Antiquity to Modern Age**

The work is dedicated to the problems of provenance, ancient and medieval history of nomadic peoples who had inhabited huge territories of Eurasia from the Amur river basin in the east up to the Danube river in the west.

The researchers pay their main attention to the origin and history of the first nomadic empires: Turkic Qa'anates (6–9 centuries), Qarakhanid and Uyghur states in Central Asia, Bulgar state in the Sea of Azov region, Turkic peoples and tribes within the Mongol empire: the Golden Horde, Kazakh zhuzes and Kazakh kanate. Tribal unions and later peoples speaking Turkic languages formed in the depths of these empires.

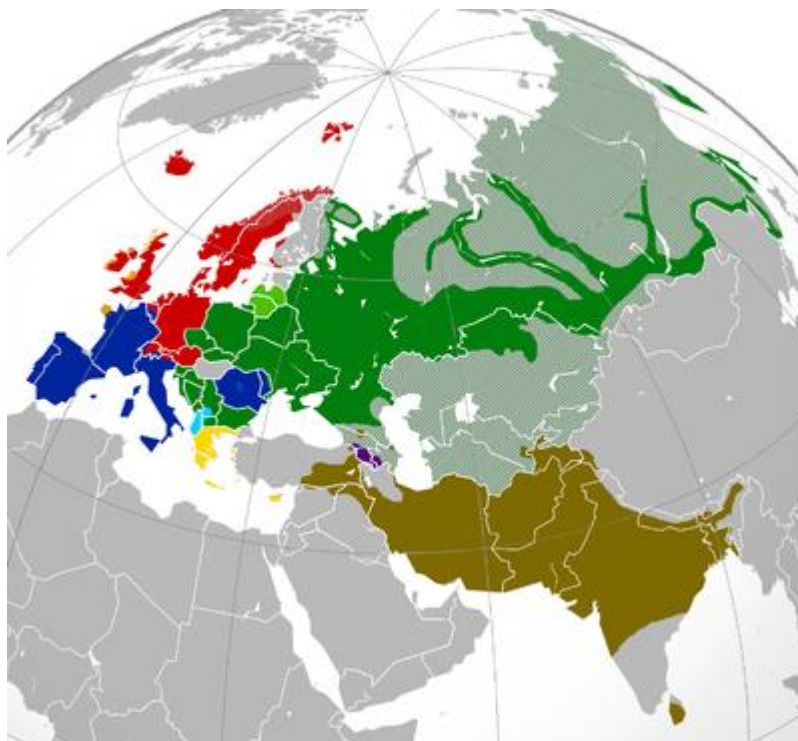
Long-time history of state systems of Eurasian nomads is examined in close relation with the history of their neighbours, those from China, Iran, Byzantine and Russ. Turkic state system had created specific forms of religions beliefs and literary culture that created a unique aspect of ancient Turkic civilization. Its

history is paid much attention in the monograph as well. An especially complicated problem of genetic ties of ancient Turkic peoples with contemporary Turkic-speaking nations is discussed at such a vast scale for the first time.

The book has been aimed for lecturers and students of institutions and faculties of humanities, as well as for the vast range of those readers interested in the past of Eurasian peoples.

### پیشگفتار

در نقشه اتنوگرافیک (تبارشناختی) اروپا، آسیا، همسایگی و باهم آمیزی دو کتله نیرومند تباری با یک دیگر، به گونه آشکار و روشن بازتاب یافته است.



درست همین همسایگی و در عین حال «ارتفاق» به درجه نه کمتری واقعیت های ساختار فدرالی روسیه و سیاست آن در قبال دولت های بزرگترین کشورهای «خارج نزدیک» - قزاقستان، ازبیکستان، قرغیزستان، ترکمنستان و آذربایجان را تعیین می نماید.

تاتارها و چوواش ها در گستره حوضه رود ولگا؛ باشقیرها در دامنه های اورال؛ کنومک ها، نوگایی ها، قره چایی ها و بالکارها در قفقاز شمالی؛ تاتارها در سایبرای غربی؛ آلتایی ها، شارها، کوماندی ها، خاکاس ها، توووی ها و توفالری ها در سایبریای جنوبی؛ همه از نگاه سرنوشت تاریخی خود با گستره کنونی روسیه پیوند دارند.

بخش چشمگیر باشندگان تورکی زبان روسیه، به شمول مهاجران از آسیای مرکزی و آن سوی قفقاز، همراه با توده های دیگر بیرون از گستره تباری خودشان زندگی می کنند. بر پایه آمارهای سال 1989 با احتساب رشد طبیعی طی پنج سال گذشته (این پیشگفتار از متن چاپ دوم کتاب در سال 2004 گرفته شده است) جمعیت تورکی زبان روسیه نزدیک به 14 میلیون نفر و جمعیت تورکی زبان کشورهای عضو جامعه همسود به بیش از 40 میلیون نفر می رسد.

تاریخ مناسبات سلاوی ها - تورکی ها در روند سده ها نه تنها سرشار از برخوردها و منازعات دراماتیک، بل نیز نیروی پویای زندگانی باهمی و روندهای همزیستی بوده است. گرایش اخیر تا همین اکنون چیرگی دارد که یکی از پایه های صلح و ثبات سیاسی در اروآسیا را می سازد. هر گونه نادیده گرفتن و نیز بها ندادن و بی پروایی به پیوندهای ریختیافته تاریخی همزیستی باهمی به خاطر منافع رودگذر، می تواند پیامدهای تراژیکی را برای سرنوشت میلیون ها انسان باشنده اروآسیا در پی داشته باشد.

[پرسشی که از دیر باز مطرح می باشد، این است که -گ.]. آیا مجاز است کل مجموعه توده های تورکی زبان را همچون نوعی وحدت و یگانگی که به آن سوی مرزهای خویشاوندی زبانی فراتر می رود، بررسی کرد؟

سر از آغاز سده بیستم تا همین اکنون دو پاسخ متفاوت (که با هم در تضاد و تقابل و تعارض پیوسته اند)، به این پرسش داده می شود.

پاسخ نخست (از مواضع پان ترکیسم، ترکیسم) بر آن پا می فشارد که همه توده های تورکی زبان، یک «ملت» واحد و یکپارچه اند که دارای یک خاستگاه مشترک می باشند - «توران» و زبان های فزونشماری که آن ها به آن سخن می گویند، زبان های جداگانه نه، بل که لهجه ها یا گویش های یک زبان واحد اند.

پاسخ دوم به همین پیمانۀ indisputable (یکدنده و قاطعانه) و آشتی ناپذیر است و بی چون و چرا تاکید می ورزد که هیچگاهی کدامین وحدت و یگانگی تباری تورکی نبوده و وجود نداشته و ندارد و خود واژه «تورک» هم در آغاز تنها به یک گروه (آشینایی ها) اطلاق می شده است، نه به همه قبایل خویشاوند از دیدگاه زبانی و همه توده های تورکی زبان از دیدگاه ژنتیک با گستره های بودوباش کنونی شان پیوند دارند و طبیعی است که میان توده هایی که به زبان های مختلف تورکی سخن می گویند، اختلافات چشمگیر روحی، فرهنگی و انتروپولوژیک (انسان شناسیک)<sup>5</sup> وجود دارد.

از هر دوی این مواضع افراطی به پیمانۀ گسترده [از سوی محافل و حلقه های معین-گک]. برای دستیابی به مقاصد سیاسی بهره برداری [بزاری-گک]. می شود. یکی از آن ها [(پان ترکیسم)]، کمک می کند ادعای ایجاد یک دولت واحد، فدرال یا اتحادی در سیمای «انجمن توران بزرگ» توجیه شود. دومی برعکس، در خدمت تثبیت ایده های میهن پرستانه (پاتریوتیسم) یا منطقه یی (ناسیونالیسم) است.

---

<sup>5</sup>. برای نمونه قرغیزها، اویغورها و قزاق ها از دید انتروپولوژیک بیشتر منگولویید و آمیزه یی اند از مغولان و تورک ها و توده های اروپاییدی بومی مانند یوئه شی ها (ماهبانویان)، اوسون ها، سیرها، کنگویی ها و... و همین گونه ازبیک ها آمیزه یی اند از توده های مغولی و تورکی و تاجیک و سارت و... در حالی که آذری ها و ترکیه یی ها و توده های قفقازی مانند چچن ها، داغستانی ها، انگوش ها و همین گونه تاتارها و... بیشتر دارای سیمای اروپاییدی اند و از همین رو از توده هایی با سیمای منگولوییدی فرق می کنند.-گک.

آفریدگار ایدئولوژی پان ترکیسم - فیلسوف و جامعه شناس ترکیه‌یی - ضیاء گیوک الپ Gökalp بود (1876-1924). او این مفهوم را در دو اثر خود تدوین کرد: «تورکی سازی (ترکیزاسیون)، اسلامی سازی (اسلامیزاسیون) و نوسازی (مدرنیزاسیون)» (نسخه‌های 1913 و 1918) و «مبانی ترکیسم» (1923).<sup>6</sup>

---

<sup>6</sup> . **یادداشت گزارنده:** «ضیاء گوک آلپ (به ترکی استانبولی: Mehmed Ziya Gökalp) از اندیشمندان متأخر پان ترکیسم به شمار می رود که جایگاه ویژه‌ی در میان پان ترکیست‌ها دارد و پدر پان ترکیسم لقب گرفته است. از نظر وی، میهن ترکان نه ترکیه است و نه ترکستان، بل که توران بزرگ کشور جاودانی آنان به شمار می رود. وی برای پیشبرد آمال خود تئوری‌هایی در زمینه اقتصاد، جامعه‌شناسی و سیاست و... ارائه داد که هر کدام باب ویژه‌ی در زمینه پان ترکیسم شمرده می‌شود.» (برگرفته از ویکی پدیا)

طرفه این که بر پایه برخی از منابع، او زازاز تبار بوده است و برخی هم او را کرد تبار می‌شمارند. زادگاه او، دیار بکر بود. او با پیوستن به حزب «اتحاد و ترقی» زیر تاثیر اندیشه‌های اتاترک رفته بود و در مخالفت سرسختانه و آشتی ناپذیر با اسلامیزاسیون، از اندیشه‌های کمال اتاترک مبنی بر مدرنیزاسیون و ترکیزاسیون کشور ترکیه هواداری می‌کرد.

«پان ترکیسم (Pan-Turkism) پیش از آغاز جنگ جهانی یکم در دوره سلطان عبدالحمید به عنوان ایدئولوژی دولتی در ترکیه عثمانی اعلام شد که هدفش گردآوری همه اقوام پراکنده تورکی زبان از اروپای باختری تا خاور دور و از چین تا اقیانوس یخبسته شمالی، زیر چتر یک دولت واحد بود. امپراتوری عثمانی از آغاز تأسیس خود، سیاست گرفتن سرزمین‌های ملل دیگر و برپایی یک میهن مشترک برای ترک‌ها در این سرزمین‌های اشغالی را در پیش گرفته بود. هدف پان ترکیسم (که به گونه نادرست آن را گاهی «پان تورانیسم» هم می‌خوانند)، در واقع اتحاد مردمان تورکی زبان و درآوردن آن‌ها در زیر چتر یک امپراتوری به رهبری ترکیه هوادار غرب بوده است. صرف نظر از افراطی بودن و ماجراجویانه بودن ایدئولوژی تندرو پان ترکیسم، به هر رو، می‌شود گفت که پیشکسوتان این ایدئولوژی برخوردار از یک نوع بینش گستره‌یی بوده‌اند.

پس از فروپاشی امپراتوری عثمانی، ترکیه رسماً وارد عصر ناسیونالیسم می‌شود. هر چند، زمینه و بستر این ایدئولوژی پیش‌تر از این هم در اواخر سده نهم و اوایل سده بیستم، در این کشور پهن گردیده بود. در

این کشور «جامعه تورانی» به وجود می آید که پیشاروی خود آرمان بنیاد نهادن یک «امپراتوری تورانی» را می گذارد. این جنبش که با پی ریزی «جامعه ترک» (TürkDerneği) در ۱۹۰۹ در اسلامبول به اوج خود رسیده بود، ترکیه یی هایی بودند که خاستگاه خود را کوه های آلتای می دانستند و به خود می بالیدند و شاهزادگان عثمانی، با گرویدن به این جامعه، نمونه می شدند برای دیگران.

«در سال ۱۹۱۵، «ترکان جوان» که دولت عثمانی را می گرداندند، هدف شان را در جنگ جهانی همبستگی همه ملت های ترک اعلام می دارند. ترک های جوان با الهام گرفتن از ناسیونالیسم ضد روحانی نزدیک به فراماسونری که در فرانسه و ایتالیای پایان سده نوزده رواج داشت (بسیاری حتا به آن لژها پیوسته بودند) از «ترک گرایی» به «پان ترکیسم» تغییر جهت می دهند. این یکی رؤیایی است سیاسی با هدف گرفتن عکس راهی که ترکیه یی ها در تاریخ با آن از شرق به غرب آمده بودند. آرزوی پان ترک ها در این مسیر بازگشت، گرفتن سرزمین های پیرامون آن است، راهی که تا دل چین و مغولستان می رود. اما شکست های نظامی و کشتارهای خونین آغاز سده بیستم بیشتر ترکیه یی ها را سر خرد آورد و آنان را به محدود کردن پان ترکیسم به ناسیونالیسم ترکی مصطفی کمال آتاترک واداشت. آتاترک، با واقع بینی، میهن پرستی ترک را محدود به دفاع از آناتولی و اسلامبول کرد و سودای شکوه پان ترک را به باد سرزنش گرفت.»

برگرفته از مقاله «چرا نباید از پان ترکیسم ترسید»، نشر شده در سایت انترنتی Iran Resist

در ویکی پدیا در باره پان ترکیسم می خوانیم: «اندیشه پان ترکیسم، یعنی یکی کردن همه سرزمین هایی که باشندگان آن به یکی از زبان هایی که ریشه آن ها به زبان های آلتایی می رسد، نخستین بار از سوی یک خاورشناس مجارستانی یهودی تبار به نام آرمینیوس وامبری در دهه ۱۸۶۰ ساخته و مطرح گشت. وامبری رایزن سلطان عثمانی شده بود ولی در نمان برای لرد پالمستون و دفتر امور خارجه بریتانیا کار می کرد.

ساختن و مطرح کردن این اندیشه از سوی وامبری و بریتانیا در اصل به منظور ایجاد یک کمربند از آلتایی زبان ها در جنوب روسیه بود تا مانعی شود برای گسترش و رخنه روس ها به مستعمرات انگلیس در هندوستان. بعدها یهودی ها و صهیونیست های دیگری کار وامبری را ادامه دادند از آن جمله نویسنده یهودی فرانسوی به نام لئون کاهون که در کتاب خود:

#### de Introduction al'Histoire de l'Asie, Turcs, et Mongols

به شکل دهی و تبلیغ پان ترکیسم پرداخت. پس از او به نویسنده یهودی انگلیسی برمی خوریم به نام آرتور ل. دیوید که در کتاب خود کوشید تا به ترکی زبان ها حس برتری نژادی و نژادپرستانه بدهد. این ایده در اوایل سده بیستم از طریق ترکان جوان در امپراتوری عثمانی شکل گرفت.

---

پراوازه ترين مدافع ناسيوناليسم تركي - اسماعيل باي گاسپرينسكي (۱۸۵۱ - ۱۹۱۴) [قازپير علي] اهل كريمه بود كه خواستار وحدت توركي هاي روسيه شد و نشريه «ترجمان» را تاسيس كرد كه در آن از زبان ساده شده «تركي عثماني» استفاده مي شد. گاسپرينسكي پيش بيني كرد كه با ابداع زباني كه به راحتی هم براي يك «قايقران بسفري» و هم براي يك «ساربان كاشغري» قابل درك باشد، در نهايت «اتحاد تركي» و «اتحاد اسلام» شكل خواهد گرفت. گاسپرينسكي از تأثير بالقوه رسانه هاي چاپي بر مردم نيك آگاه بود و با جديت به افزايش شمارگان روزنامه خود با هدف برقراري وحدت بيشتر ميان گروه هاي متفاوت تركان از راه ايجاد زباني مشترك اقدام كرد.

با پايان سده نوزدهم، ترويج زبان مشترك توركي گاسپرينسكي (زبان واحد يا زبان مشترك) از سوي جنبش اصلاح طلب «جديدها» مورد حمايت قرار گرفت. با اين هم، اين حمايت يکپارچه نبود و ابراز مخالفت از سوي برخي از گروه هاي قومي خاص مانند قزاق ها كه ترجيح مي دادند زبان قزاقي متمايزي به وجود آورند، مشهود بود. اين شكاف در جنبش در طي «كنگره سراسري مسلمان»، در سال ۱۹۱۷، در دوران حكومت دولت موقت در روسيه بازتاب يافت. اين كنگره از بهره گيري زبان مشترك تركي گاسپرينسكي به عنوان ابزار آموزشي در مدارس لايه هاي بالاي اجتماع حمايت كرد. با وجود اين، در مدارس ابتدائي و دبيران ها زبان ملي منطقه زبان اصلي بود؛ جا يگاه زبان مشترك تركي به موضوعي الزامي و ثانويه افت يافت. در جريان ناآرامي هاي سياسي سال ۱۹۱۷، تحقق «جنبش ملي متحد ترك» با شكست روبه رو شد: در عوض بيشتر پويابي هاي سياسي بر هر يك از گروه هاي ملي منفرد يا بر موجوديت هاي سياسي ازلي مانند بخارا و خيوه متمرکز شد.

در روند فروپاشي شوروي در سال ۱۹۹۱، آرمان هاي ناسيوناليسم تركي، برجستگي سياسي مجدد فروپاشي فدراسيون روسيه، اميد تازه يي براي پان تركيسم به وجود آورد. با اين كه در گستره آسيای ميانه جنبش هاي سياسي خاصي چون حزب قزاق «آلاش» و حزب ازبیک «بيرليک» در پي ايجاد وحدت بيشتر ترك ها بودند، چنين اظهاراتي از سوي ديگر گروه هاي ملي منطقه، مانند تركمن و قرقيز با بدبيني تلقی شد، زيرا آن ها بيمناك بودند كه اين مسأله تبديل به وسيله اي براي غلبه گروه هاي ملي بزرگ تر شود. با اين هم، فدراسيون از هم گسيخته احتمالاً به دردخورتر خواهد بود و بسياري از حكومت هاي منطقه هنگامی در سال ۱۹۹۳ توافق كردند القباي لاتين جا يگزين القباي سيرليک شود، گامی به سوي اين هدف برداشتند. در حالي كه تركيه پنج حرف به القباي خود افزود كه بيانگر صداها در زبان هاي آسيای ميانه است.



کانسپت او، دارای بار فرهنگی و تاریخی بود. بر جنبه سیاسی آن تاکید نمی شد. ضیاء در نخستین اثر خود می نویسد: «میهن تورک ها، نه ترکیه و ترکستان، بل کشور سترگ و جاودان توران است!». [Gökalp, c. 63].

وظیفه اصلی جهان تورک را ضیاء گوک آلپ - ایجاد زبان مشترک تورکی و فرهنگ مشترک تورکی می داند. تا حد زیادی او در این زمینه دیدگاه های مبلغ تاتاری اسماعیل گاسپیرانسکی (1851-1914) و یوسف آق چور Akchur (1876-) را تکرار می کند.

---

از میان اقوامی که امروزه ترک نام گرفته اند، بسیاری از اقوام نام برده در زیر در تاریخ قدیم هیچ گاه خود و قوم خود را ترک نمی نامیدند. در مورد بخشی از این اقوام باشنده آسیای میانه تنها پس از وارد شدن نظریه پان ترکسیم از سوی آرمینیوس وامبری و فرستاده پنهانی وزارت خارجه بریتانیا به منطقه، این نام رفته رفته برای این اقوام نیز رواج یافت. این اقوام عبارتند از:

باشقیرها، تاتارها، ناگایاکها، قزاقها، قره قلیپاقها، نوقای، کرائیم، قره چای بالکار، کومیک، کریمچاک، آلتاییها، آذربایجانیها، قاجارها، شاهسونها، قره داغها، قره پاپاخ، قشقایها، افشارها، خلیجها، گاگاوز، اورومچیها، توینی، توفالارها، شورها، خاکاسها، تاتارهای چولیم، ازبیکها، اویغورها، سالارها، اویغورهای ساری، چوواشها، یاکوتها، دولگانها.»

شماری از منابع در باره ضیا گوک آلپ:

Taha Parla: *The social and political thought of Ziya Gökalp : 1876—1924*. Leiden 1985

Mihran Dabag: *Jungtürkische Visionen und der Völkermord an den Armeniern*, in: Dabag / Platt: *Genozid und Moderne (Band 1)*, Opladen 1998. ISBN 3-8100-1822-8

Katy Schröder: *Die Türkei im Schatten des Nationalismus*. Hamburg, 2003, ISBN 3-8311-4266-1, S. 50-54

Alexander Safarian, *Ziya Gökalp on National Education*, "Iran and the Caucasus", vol.8.2, Brill, Leiden - Boston, 2004, pp. 219-229.

Alexander Safarian, *On the History of Turkish Feminism*, "Iran and the Caucasus", vol.11.1, Brill, Leiden - Boston, 2007, pp. 141-152.

اندیشه های ضیاء گوک آلپ پس از جنگ جهانی دوم در ترکیه محبوبیت ویژه ای را به دست آورد. پس از آن بود که دیدگاه های تبارشناسانه و فلسفی به شدت سیاست زده شده او شالوده یی را برای بازنگری تاریخ توده های تورکی زبان در روحیه مقتضی ساختند.

به ویژه ایده پان تورکیسم را نویسنده و روزنامه نگاری به نام نهالیم اتسوز Atsyz (1905-1975) ترویج و تبلیغ کرد.

...و اما مهمترین نقش را در این نوع تفسیر از تاریخ، آثار دانشمند خاورشناس روسیه و شخصیت بزرگ سیاسی انقلاب اکتبر و جنگ داخلی - احمد زکی ویچ ولیدف، که به ترکیه مهاجرت کرده و در آن جا با نام زکی ولیدی توغان (طوغان) می زیست، بازی کردند.

امروزه هم، ایده های پان ترکیسم با پویایی از سوی چهره های جداگانه در جمهوری آذربایجان، منطقه اورال-ولگا و آسیای مرکزی تبلیغ می شوند.

کانسپت اتوختونیسیم Autohtonism (سرزمین آبابی و نیایی) یعنی داشتن پیوند جاودانه با خاکی که آن را اکنون زیر اشغال و در تصرف دارند، در آغاز همچون واکنش طبیعی در برابر ایده های پان ترکیسم تبارز می نماید<sup>7</sup>

در سال های دهه های 20-30 سده بیستم، پس از «تقسیمات ملی» در آسیای میانه و تشکیل جمهوری های شوروی و جمهوری های خودگردان بنا بر نشانه های تباری، اندیشه اتوختونیسیم از پشتیبانی نیرومند سیاسی برخوردار گردید. درست همین کانسپت، شالوده

---

<sup>7</sup>. هواداران این اندیشه که اکنون در آسیای میانه و قفقاز پیروان پرشوری دارد، بر آن اند که سرزمین هایی که اکنون در آن می زینند، از سپیده دم تاریخ سرزمین نیایی شان بوده است و نیاکان شان هماناندر همین سرزمین ها از عهد باستان می زیسته اند و از کدامین سرزمین دیگری به این جا نکوچیده بودند و بازماندگان شان هم تا کنون در سرزمین های نیایی شان می زینند. یعنی حاضر نیستند بپذیرند که زمانی نیاکان شان از سرزمین های دیگری به این جا آمده باشند. -گ.

ایدئولوژیکی برای جداسازی تاریخ هر خلق به «جریان ملی» فرایندهای تاریخی عمومی منطقه یی گردید. در بیشتر موارد، هسته مثبت این آثار بس پر محتوا از دید جذابیت مواد و مدارک خود، معمولاً با جمله پردازی های پولیمیکی (جدلی) گویا رسوا کننده ایده های پان ترکیسم، مورد بهره برداری قرار می گرفتند.

\*\*\*\*\*

ما برای روشن شدن مسائل به واقعیت های اتنوژنیز ethnogenesis (تشکل تباری) تورکی، به مراحل قدیم تاریخ تباری- سیاسی توده های تورکی شناسایی شده طی بیش از یک سده کار محققان (به ویژه در روسیه)- اعم از باستان شناسان، زبانشناسان، تاریخ نویسان، تبارنگاران (اتنوگراف ها) و... مراجعه می کنیم.

می بینیم که همه چیز در واقع چگونه بوده است؟

نقشه معاصر تباری بازتاب دهنده پراکنندگی توده های تورکی- دستاورد روندهای چند هزار ساله اتنوژنیتیکی و مهاجرت ها است.

باستانی ترین کانون های اتنوژنیز و گلوٹوژنیز Glottogonic تورکی یعنی کانون های نخستین تشکل توده ها و زبان های تورکی به گونه گسست ناپذیر و جدایی ناپذیر با خاور اورآسیا- سایبریای جنوبی و میانه های آسیای پیوند دارد. این گستره پهناور از تمدن های همسایه، از قبایل تایگایی- کوهی و قبایل استپی دارای سیمای تباری دیگر جدا نبود.

در استپ های اورآسیایی میان رودهای ولگا و ینی سئی هنوز در هزاره های ششم تا دوم پیش از میلاد قبایل «هند و اروپایی» دارای نژاد اروپاییدی (سپیدپوست) بسر می بردند. یعنی آن قبایل «هندواروپایی» فزونشماری که با یک دیگر به زبان های خانواده هند و ایرانی، خانواده بالتیکی- سلاوی، خانواده ژرمنی و بسیاری دیگر از زبان های خویشاوند سخن می زدند. زبان غالب و رایج در بخش خاوری استپ های اورآسیایی- دیرین ترین زبان های

باستانی ایرانی بود- همان زبانی که اوستا و موعظه های زرتشت (اواخر هزاره دوم پیش از میلاد) با آن نوشته شده بود.

سپس، به گونه بس مفصل دوره «هند و اروپایی» تاریخ استپ سترگ را که نزدیک به دو و نیم- سه هزار سال به درازا کشید، بررسی می کنیم.

هر گونه تجرید مصنوعی زیستگاه های جداگانه نوار استپی اروآسیایی بنا بر نشانه های تباری در زمان و مکان، تاریخ راستین را تحریف می نماید و راه را برای تفسیرهای مغرضانه و آلایشنمندان گذشته که برای سیاسی سازی های یک جانبه و ادعاهای ملیت پرستانه بهره گیری می شوند؛ باز می کند و می گشاید.

بر روی رشته کوه های آلتای، که در جنوب رو به بیابان گوبی دراز افتاده است، در امتداد دره رود ینی سئی علیا و شاخه های آن، در آن عهد دیرین، گستره تماس های تباری پهن بود که در خاور آن قبایل تورکی و مغولی، و در غرب آن - قبایل هند و اروپایی تفوق داشتند.

تراس های جریان های مهاجرتی، که گاه پرتکاپو و گاه آرام می شدند، سراسر استپ سترگ را فرا می گرفتند. در جریان هزاره ها، لغایت تا سده های نخستین میلادی اتنورنیز تورکی با خاور منطقه کوهی- استپی اورآسیا پیوند داشت.

تاریخ تعامل و تا جایی ادغام همه گروه های باشندگان باستان در درازای دو- دو و نیم هزار سال فرایندی است که در روند آن کانسلیدیشن تباری انجام شد و جوامع تباری تورکی زبان تشکیل یافت. درست از میان این قبایل باهم خویشاوند نزدیک در هزاره دوم میلادی توده های معاصر تورکی روسیه و سرزمین های مجاور آن جدا شدند.

قبایل فزونشمار بومی (هندواروپایی در آسیای مرکزی، فین و- اوگری در حوضه رود ولگا، دامنه های اورال و سایبریای غربی، ایرانی و ادنگی در قفقاز شمالی، سامویدی و کتی زبان

در جنوب سایبریا) قسما از سوی تورک ها در دوره آمیزش های تباری- سیاسی اسیمیله شدند. به ویژه در دوره موجودیت اتحادیه های تباری- سیاسی ایجاد شده از سوی آن ها در گام نخست دولت های هونی در سده های دوم و یکم پیش از میلاد، خاقانات های قدیم تورک در نیمه دوم هزاره یکم میلادی و اتحادیه های قبیله یی قپچاق ها و اردوی طلایی در هزاره ما. درست این فتوحات فزونشمار و مهاجرت ها در دوره تاریخی قابل ترصد به شکل جوامع قومی تورکی در مکان های بودوباش کنونی شان انجامید.

در درازای سراسر تاریخ باستانی و سده های میانی، در محیط توده های تورکی، سنت های تباری و فرهنگی یی ریخت یافته و به گونه (موروثی یا اکتسابی) تداوم یافتند، که اغلب با داشتن ریشه های مختلف به تدریج ویژگی های تباری ماهوی یی به پیمانان های متفاوت ویژه همه قبیله های تورکی زبان را ساختند.

بیشتر این گونه استریوتیپ ها (کلیشه ها) در دوران تورکان باستان یعنی در نیمه دوم هزاره یکم میلادی ریخت یافت- هنگامی که شیوه های مناسب پویایی های اقتصادی (دامداری کوچی و نیمه چادر نشین) تعیین گردید و به طور عمده مجتمع فرهنگ مادی (نوع مسکن و رهایش، پوشاک، وسایل نقلیه، خوراک، دکوراسیون و...) فرهنگ، سازمان اجتماعی- خانوادگی، اخلاق توده یی، هنرهای نقاشی و فرهنگ عامه از تکامل معینی برخوردار گردید.

بالاترین دستاورد این دوره اختراع نوشتار (طلسمی) یا رمزی تورکی بود که از خاستگاه آسیای مرکزی خود (مغولستان، آلتایی، ینی سئی علیا) تا حوضه رود دُن و قفقاز شمالی گسترش یافت.

تثبیت شدن دولرداری در گستره آسیای مرکزی، جنوب سایبریا و در حوضه ولگا در اوایل سده های میانه (سده های ششم و یازدهم) با شکلگیری خاقانات های تورک گره می خورد، که سنت های آن ها را خاقانات اویغور، خانات قرغیزها در ینی سئی علیا، کیماک ها و

قپچاق ها در حوضه رود ایرتیش (در خاور قزاقستان)، دولت بلغاری و خاقانات خزر در حوضه ولگا و در قفقاز شمالی به ارث بردند.

وحدت ساختار اجتماعی، خویشاوندی تباری- فرهنگی و همانندی سازمان سیاسی همه این کشورها را اجازه می دهند زمان موجودیت و چیرگی آن ها در استپ سترگ را همچون یک دوره نسبتاً کامل تاریخی و فرهنگی- دوره امپراتوری های استپی، ارزیابی کرد.

بایسته است منظور خود از کاربرد واژه «امپراتوری» در قرینه دولت هایی ساخته شده از سوی کوچی ها در اروآسیا را روشن بسازیم. بی آن که سعی در تعمیم دهی یا به جامعیت بخشیدن نسخه و تعریف خود بکنیم، یادآور می شویم که ما مفهوم «امپراتوری» را تنها برای شکل های چندقومی ایجادشده با نیروی نظامی در روند فتوحات و اعمال روش های اداری- نظامی کنترل شونده و فروپاشنده پس از افول و پوسیدگی اقتدار سیاسی آفریننده امپراتوری، به کار می بریم.

تجزیه و تحلیل اوضاع تاریخی ظهور امپراتوری ها نشان می دهند که تکانه فاتحانه نه آن چندان متوجه گسترش پهنه های چراگاه ها (این یک مورد غیر عادی است) که متوجه تصرف مناطقی با نوع های دیگر اقتصادی- فرهنگی بوده است.

در مرحله نخست فتوحات، عامل تعیین کننده هدف آن، عبارت بود از یکپارچه ساختن قبایل دشت نشین زیر فرمان یک دودمان و یک قبیله. سپس تمایلاتی پدید می آمدند که معمولاً در روند اقدامات نظامی تحقق می یافتند- به انقیاد درآوردن کوچیان مناطق و دولت های دارای دستگاه های پیچیده تر و متنوع تر پویایی های اقتصادی زیر فرمان قدرت نظامی تحکیم دهنده. این گونه تعادل نیروها شامل نتیجه نهایی بوده است- وابستگی انشعابی یا هر گونه شکل انقیاد سیاسی مستقیم. درست در این مرحله دولت ساخته شده از سوی قبایل کوچ نشین، به امپراتوری تبدیل می شد.

حمله مغول بسیاری از قبایل تورک (بیشتر قپچاق ها را که در آن زمان باشندگان اصلی استپ ها را از دیوار بزرگ چین تا رود دانیوب می ساختند)، به گرداب هرج و مرج سیاسی و نظامی کشاند. بخشی از مغول ها پس لشکرکشی های سده سیزدهم به میهن خود برگشتند و بخشی دیگر به تدریج در میان تورک های آسیای مرکزی و حوضه ولگا ذوب شدند که بیشتر به رغم حفظ نام های دیرین قبیله یی مغولی، زبان خود را از دست دادند، آیین اسلام را پذیرفتند و اشراف شان با اشراف قبایل تورکی ادغام شدند. خانواده های اشرافی نو تورکی هم برای خود شجره نامه های مغولی تراشیدند. برای مثال، تا سده بیستم در میان قزاق ها تنها تیره هایی می توانستند مدعی داشتن خاستگاه «طلایی» چنگیزی باشند، که شجره های شان چنین چیزی را تایید می کرد.

قبایل [(تورکی-مغولی)] در روند فتوحات و مهاجرت های بی پایان سده های سیزدهم- شانزدهم، با گسترش دادن مرزهای سیاسی استپ سترگ، در سرزمین های نو اسکان می یافتند. برای مثال، در مرزهای سده های پانزدهم-شانزدهم قبایل کوچ نشین ازبیک دشت قپچاق به ریاست محمد شیبانی خان چنگیزی (از بازماندگان شیبان، پسر جوجی- فرزند ارشد چنگیزخان)، بخش بزرگ آسیای میانه را گرفتند و دولت ازبیک شیبانیان را تاسیس کردند. بخش دیگری از ازبیک های شرق دشت قپچاق، ازبیک- قزاق ها، پیش تر از آن در سال های دهه هفتاد سده پانزدهم خانات قزاق را ایجاد کردند.

در سرزمین هایی که ولس های بازمانده از امپراتوری مغول به گونه جداگانه جا گرفته و از سوی چنگیزی ها اداره می شدند، مرحله نوی از تشکل تباری (اتنوزنیز) پویای تورکی با آمیزش فشرده مهاجران با باشندگان بومی (مرحله نخست تشکیل توده های معاصر تورکی) آغاز گردید.

همراه با آن سده های هژدهم- نوزدهم در تاریخ دولت های آسیای میانه و قزاقستان، تا الحاق آن ها به روسیه، دوران انزوای نسبی این گستره پهناور و عصر جنگ ها و کشاکش های پیوسته بود که به رکود سیاسی، اقتصادی و فرهنگی منجر شد. این عصر، عصر فرمانروایی خودکامه گروه های نخبه نسبتا کوچکی بود، که از میان آن ها خان ها سر بر می

آوردند و عصر فقدان کامل حقوق جمعیت اصلی باشندگان بود که بخش اعظم شان با ناداری شدید دست به گریبان بودند.

تنها آغاز گسترش روابط اقتصادی و فرهنگی روسیه و ترکستان در سده نهم به رستاخیز تدریجی زندگی اقتصادی و رشد جدید شهرها و بازرگانی انجامید.

این گونه، ما با پذیرفتن تئور همانندی نسبی سرنوشت های تاریخی بیشترین قبیله ها و توده های تورکی در درازای دست کم دو هزاره و مرتبط بودن تاریخ تباری شان در چهارچوب تاریخ عمومی اورآسیا، هم تئور موجودیت ملت واحد تورکی [یعنی آن چه که پان ترکیسم تبلیغ می کند-گک.] و هم تئور بومی بودن جاودانه توده های معاصر تورکی [یعنی آن اوتوختونیسمی را که رهبران کشورهای تورکی زبان آسیای میانه و قفقاز بر آن پا می فشارند-گک.] را مردود می دانیم.

بایسته است به طور خاص اهمیت یکی از برجسته ترین عوامل توسعه اقتصادی و فرهنگی برای تاریخ و زندگی روزمره قزاقستان و آسیای میانه را که تا حد زیادی محیط زیست منطقه را از پیش تعیین می کرد؛ خاطر نشان بسازیم. سخن بر سر چیرگی شیوه زندگی چادرنشینی و کوچروی در این جا (بیشتر در منطقه استپی و استپی-کوهی) منوط به نوع اصلی فعالیت اقتصادی-دامداری گسترده است. درست اقتصاد شبانی و دشت نشینی به توده های کوچی اجازه داد تا در مرزهای هزاره های دوم-یکم پیش از میلاد، استیلای گستره پهناور به ظاهر بی پایان استپ سترگ-کمر بند خشک اورآسیا را آغاز کنند.

در جریان چند هزاره، اقتصاد کوچ نشینی و دامداری شیوه بی جاگزین استیلای اقتصادی استپ ها و شیوه زندگانی کوچروی-یگانه شکل زندگی قبایل و توده های باشنده دشت ها ماند.

در سده های نهم و بیستم مطالعات گسترده یی در باره کوچ نشینی به عنوان یک پدیده اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی انجام شده است. (برای مثال؛ نگاه شود به:

[Хазанов, 2000; Крадин, 2007; Барфилд, 2009]).



در مباحث بعدی، تاریخ توده های کوچی اروآسیای مرکزی، زندگی اقتصادی آن ها، فرهنگ، سازمان سیاسی و دولتی شان را بررسی خواهیم کرد. در این جا تنها به یک مساله می پردازیم- ارزیابی بدبینانه پیشداورانه futurological شیوه زیست کوچ نشینی. این ارزیابی با تراز بسیار پایین و بسیار محافظه کارانه فناوری این نوع پویایی های اقتصادی و عدم ظرفیت برای هر گونه تغییر و دگرگونی و همچنین پیوند و گره خوردگی آن به زون محدود محیط زیست و ناپایداری پایین آن در برابر عوامل نامساعد محیطی همراه است.

تا عهد معینی، کاستی هایی به این پیمانانه چشمگیر تا جایی با پیوندهای تنگاتنگ جوامع عشیره یی با کشورهای دارای زندگی کشاورزی مسکون و توسعه یافته شهری جبران می شد. بیشتر، این گونه پیوندها نه به دلیل ذینفع بودن کشورهای دارنده فرهنگ مسکون از دید اقتصادی، بل نیز به دلیل داشتن پتانسیل نظامی کوچی ها تامین می گردید. جنگیدن، اشغال سرزمین ها، تاخت و تازها و وادار ساختن به پرداخت انواع باج ها، با راندن مبادلات بازرگانی و دیگر اشکال همزیستی اقتصادی در جایگاه دوم؛ اغلب در اروآسیای مرکزی موثرترین اشکال همزیستی عشایر با همسایگان مسکون شان بود.

در سده های شانزدهم-هژدهم، پس از رونماگردیدن تحولات چشمگیر در زمینه فناوری های نظامی در کشورهای دارای فرهنگ شهرنشینی اورآسیا، برتری نظامی کوچی ها هر چند تا جایی حفظ گردیده بود، با آن هم امکانات جبران کاستی های اقتصادی و زیست محیطی اقتصاد دامداری که به گونه فزاینده به یک منبع مواد خام جهان پررونق و توسعه یابنده صنعتی و کشاورزی مبدل می گردید؛ به گونه چشمگیر کاهش یافت.

به هر حال، با ظهور دوران مدرن، موجودیت جوامع عشایری در اشکال و پارامترهای پیشین و نفس چگونگی همزیستی آن ها با «جهان خارج» دستخوش دگرگونی های شایان توجه بنیادی و سرشتی گردید و به بن بست خوردن توسعه جوامع شان در اشکال اجتماعی و اقتصادی و سیاسی پیشین، یکسره نمایان و آشکار گردید. عصر جدید به گونه چشمگیر

زندگی روزمره را در اروآسیای مرکزی با برجا گذاشتن اثر سامانمند در سرنوشت تاریخی توده های مغول و تورک دگرگون ساخت.

تعامل تاریخی میان روسیه و جهان تورکی دارای پیشینه یک و نیم هزار ساله است و روشن است در آغاز به شیوه های مسالمت آمیز نبود. سرازیر شدن قبیله های تورکی به غرب از آسیای مرکزی در سده های پنجم - پانزدهم دست کم دو تجربه همپیوندی سیاسی - نظامی گستره اورآسیایی را زایید: اوگری - تورکی در سده های پنجم - دهم و مغولی - تورکی در سده های سیزدهم و پانزدهم.

پهن شدن آغاز شده دامنه دولت روسیه در سده شانزدهم به سوی خاور و جنوب خاوری، هنگامی که آشکارا جمعیت کشاورز مرکز روسیه افزایش یافت، و روندهای مهاجرتی همراه با آن، به همان اندازه اجتناب ناپذیر بود که در گذشته سرازیر شدن توده های تورکی که شالوده اقتصادی زندگانی شان را دادمداری و کوچروی در غرب استپ های اورآسیا می ساخت. شایان توجه است که این روندهای متفاوت از یک دیگر از دید زمانی و تقویمی، با فراگرفتن پهنه های جنوب روسیه، دامنه های اورال و حوضه رود ولگا، سایبریا و شمال قزاقستان؛ از دید مکانی و گستره یی با هم منطبق بودند.

اما، متفاوت از مهاجرت توده های تورکی از خاور به باختر، گسترش روسیه از باختر به سوی خاور و جنوب خاوری دارای انگیزه های دیگر اقتصادی بود - شالوده اقتصادی این سیل نیرومند مهاجرتی، کشاورزی کشتگری گاوآهنی (قلبه یی) بود. شیوه کشاورزی کشتکاری جاگزین چراگاه ها نمی شد و آن را نمی راند، اما با سازگار شدن و آمیختن با آن، انواع نو همزیستی اقتصادی را به میان می آورد.

ساختارهای دولت های ساخته شده از سوی عشایر باشنده استپ های سترگ و دشت هلی پهناور بس ناپایدار بودند و از توانمندی بسیار پایین تنش زدایی و رفع منازعات برخوردار. این ساختارها ایمنی پویایی های اقتصادی را تضمین نمی کردند. گذشته از آن، پیوسته جنگ های تازه و تازه تری را می زاییدند که بیشتر به کشتارهای عام راستین می انجامید.

برای مثال، سال های 1723-1727 که جونگاراها [ی مغول]-گک. [بخش چشمگیر خلق چند پارچه شده در اثر خانه جنگی های قزاق را نابود کردند؛ در حافظه مردم قزاق همچون «سال های مصیبت عظیم» مانده است. هر چند، این کشتار عام وحشتناک تنها ادامه رشته یورش های جونگاراها Jungar در سال های 1681-1694، 1694، 1712-1711، 1714-1717 بود.

روسیه با برپایی نظام نوین روابط قدرت، رسالت صلح آمیز ساختن استپ سترگ و پسانتر ترکستان را با کشاندن پهنای جیوپولیتیک اورآسیا زیر گستره نظامی خود انجام داد. این گونه، تاریخ توده های تورکی، همراه با قبایل دیگر باشنده استپ سترگ، بخش ارگانیک و گسست ناپذیر تاریخ عمومی اوراسیا است، و از دوران باستان از تاریخ کشورهای سلاوی خاور اروپا جدا نیست.

هر چند بعد از آن که در سده های شانزدهم- نوزدهم، بخش عمده این توده ها اعم از بزرگ و کوچک، شامل امپراتوری چند ملیتی روسیه شدند، با ادامه روندهای زندگی تاریخی زمین های کشاورزی و استپ تا میانه های هزاره ما، خودمختاری درونی نسبی خود را نگه داشته بودند.

گستره عمومی جیوپولیتیکی برای آن ها که همزمان با ظهور دولت روس در کیف و دولت های خزری- بلغاری در کرانه های شمال دریای سیاه و حوضه رود ولگا آغاز گردیده بود، مدت ها پسانتر شکل گرفت. بنا بر این، بررسی تاریخ توده های تورکی و تشکیلات ساخته شده دولتی از سوی آن ها تنها در چهارچوب تاریخ روسیه [تزاری] و پسانتر شوروی، به گونه یی که در گذشته انجام می شد، از دید متدیک درست نبود و در عمل توده های تورکی اورآسیا را از تاریخ ملی خودشان محروم می گردانید.

\*\*\*\*\*

از مدت ها پیش نوشتن کتابی نیاز احساس می شد که در برگیرنده روشنی افکنی پیگیرانه چند بعدی مسایل منشاء توده های تورکی، تاریخ اولیه آن ها، و نیز تاریخ سرزمین هایی که

با آن‌ها شکل تباری تورک‌ها پیوند دارند، روشنی افکنی همه‌جانبه بر مسایل پدیدآیی دولت‌های تورکی و توسعه آن‌ها، شکل تیپ‌های اقتصادی-فرهنگی مختص برای این توده‌ها، باورهای سنتی شان، شکلگیری فرهنگ‌های تباری و ملی شان باشد.

کتاب دست‌داشته روشن است ادعای پرداز کامل تاریخ توده‌های تورکی را ندارد. از همه تاریخ‌رنگین گذشته آن‌ها، ما تنها آن‌چه را که ستون فقرات تاریخ باستانی و قرون وسطی شان را می‌سازد، یعنی رخدادهای اصلی سده‌های گذشته، شکلگیری اقتصاد، ایدئولوژی مذهبی و فرهنگ دولتمداری شان که در پیوند با تعامل با تاریخ دیگر توده‌ها و دولت‌های اوراسیا بررسی شده‌اند را شناسایی کرده‌ایم.

کتاب از دید تقویمی و زمانی، رخدادهایی را پوشش می‌دهد که در سرزمین‌های شکل توده‌های تورکی در روند بیش از سه هزاره رخ داده بودند. لزوم بررسی دوره از نگاه تاریخی دراز با تعویض ناگهانی مراحل و جهات روندهای اتنوژنتیک و پیچیده‌تر شدن پیوسته آن‌ها دیکته می‌گردد.

اوج دگردیسی‌های تباری به اوایل و میانه‌های هزاره دوم پیش از میلاد، میانه‌های هزاره یکم و سده‌های سیزدهم-پانزدهم و نیمه دوم سده‌های نوزدهم-بیستم میلادی بر می‌گردد.

ما کار خود را در زمان شامل شدن دولت‌های تورکی حوضه رود ولگا و سایبریا در ترکیب پادشاهی مسکو-امپراتوری روسیه پایان می‌بخشیم. سر از آن برهه، توده‌های تورکی اوراسیا در اوضاع دیگر جیوپولیتیک قرار می‌گیرند. روند همگرایی آن‌ها در ترکیب روسیه آغاز می‌گردد، تا با آن سرنوشت مشترک بیابند.

\*\*\*

پیشگفتار، بخش‌های یکم، دوم، سوم، چهارم و پنجم کتاب را **کلیاستورنی** و بخش‌های ششم، هفتم، هشتم، نهم و دهم آن را **تورسون سلطائف** نوشته‌اند.